

بسم الله الرحمن الرحيم

بار الها؛ آخرت را تمام هم و غم مان بگردان!

(ترجمه)

هر مسلمان امروز در میان امواج وحشیانه‌ی زندگی دنیا قرار داشته و دستخوش جزر و مدهای آن می‌باشد؛ میان بیماری و سلامتی، ثروت و فقر، تنگی و فراخی، بیکاری و کار داشتن، خوشی و اندوه... اما با تمام این شرایط و با تمام این پیچ و خم‌های زندگی دنیا، برای هر فرد مسلمان لازم است که هدف و مکلفیت‌هایش را بشناسد تا این که آسان‌تر بتواند کشتی نجاتش را به ساحل امن رسانده و زمانی که با الله سبحانه و تعالی روبرو می‌شود، آمرزش و رضای او را به دست آورد.

مسلمانی که در لایه‌لایه‌ای عقل و قلب‌اش عقیده‌ی اسلامی نهادینه شده باشد، به خوبی در خواهد یافت که نجات‌اش با درک این است که او مانند بقیه بنی آدم نبوده و زندگی متفاوتی دارد. در خواهد یافت که او کسی می‌باشد که الله سبحانه و تعالی او را به نور هدایت برگزیده و امانتی بر ذمه‌ی آن قرارداده است. زندگی می‌کند تا این امانت را رعایت کرده، به اهل‌اش بسپارد و بر آن گواه نیز باشد.

درک یک مسلمان از دینش به عنوان دین حق و عدالت و دین رحمت برای عالمیان، او را می‌دارد که در زندگی دنیا تنها مبدء او دینش باشد؛ مبدئی که تمام افکارش از آن آب خورده و مبنی تمام عمل‌کرده‌هایش تلقی گردیده؛ طوری که برای ایجاد این مبدء و حفظ جایگاه آن در مبارزه‌ی زندگی، از هیچ تلاشی دریغ ننماید. زیرا انسان‌های دارای مبدء به ویژه مسلمانان مبدئی، نمی‌توانند تارک دنیا، پارسای گوشه‌نشین و یا خودپرست باشند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ﴾ [نساء: ۱۳۵]

ترجمه: ای اهل ایمان، همواره قیام کنید، به عدل و گواهی دهنده برای الله باشید.

سید قطب رحمه الله در تفسیر این آیه می‌گوید: «این نداء برای کسانی است که ایمان آورده‌اند، ندائی مبتنی بر صفت جدیدشان می‌باشد، صفت ارزش‌مندی که به وسیله‌ی آن زندگی برای آخرت آغاز می‌شود؛ صفت ارزش‌مندی که به وسیله‌ی آن هر انسان تولد تازه‌ای می‌یابد، ارواح، تصورات، مبادی، اهداف، وظیفه‌ی ویژه‌ی‌شان و امانت بزرگی که به آنان سپارده شده است، متولد می‌شود. امانت قیمومیت بر بشر، امانت حکومت به عدل میان مردم...»

بنابر این، ارزش این نداء (ای اهل ایمان) و معنی آن در صفت ایمان است که انسان به آن متصف می‌شود، به سبب چنین توصیفی امانت بزرگ بر دارنده‌ای این صفت سپارده می‌شود و به سبب چنین توصیفی است که دارنده‌ای این صفت مکلف به آمادگی و تدارک برای حیات بخشیدن به این امانت بزرگ گردیده است. این آمادگی روی آوردن به منهج تربیوی حکیمی می‌باشد که باید پیش از انجام هر مکلفیت سنگین و دشوار، آن را به کار گرفت. اما این جمله: «همواره قیام کنید به عدل و گواهی دهنده برای الله

باشید، هرچند که به زیان خود یا پدر و مادر یا خویشاوندان تان باشد» بیان گر و یادآور امانت برپائی عدالت مطلق در هر زمان و در هر حالت است؛ عدالتی که از ظلم و تجاوز در روی زمین جلوگیری می کند و به وسیله ی آن هر صاحب حقی از مسلمانان و غیر مسلمانان به حق اش می رسد. قضیه بسیار بزرگ است و هدف بسیار مهم و والا؛ لازم است که همت یک مسلمان متناسب به بزرگی امانت و سختی مسیر این هدف باشد.

همان طوری که قبلاً یاد آور شدیم، مسلمان با مریضی رو برو شده، مصروفیت ها و فشارهای زندگی از هر طرف برآن سرازیر می شود و شرایط روزانه تغییر می کند. بسا اوقات الله سبحانه و تعالی رزق اش را فراخ کرده و مصروفیت هایش زیاد می شود. اما کسی که حامل اسلام است، در تمام حالات و در تمام شرایط به مسیرش ادامه داده، هیچ گاه به این راضی نمی شود که زندگی آن مانند زندگی بقیه بنی آدم باشد؛ زندگی فرورفته در دنیا و لذت های آن. حامل اسلام کسی است که سرای آخرت را سرای ماندگار دانسته و به این باور است که کار آن کار پیامبران است. حامل اسلام نباید درین زندگی قدمی بردارد که آن را به هدف والایش نزدیک نسازد؛ هدفی چون رضایت الله سبحانه و تعالی. حامل اسلام باید اعمالی که آن را به هدف مذکور می رساند، شناخته و به انجام آن بپردازد و گرنه زندگی آن پوچ و بیهوده بوده و برایش این امکان را نمی دهد که در امتحان کامیاب و موفق گردد.

حمل نگرانی تمام انسان ها و تلاش برای بیرون ساختن جهانیان از جاهلیت کنونی، موضوع اجتناب ناپذیر یک مسلمان می باشد. این مجال برای یک مسلمان داده نشده است که خود را در انزوای بی مسئولیتی و خودپرستی قرار دهد. چنین حالتی هرگز منجر به رضای الله سبحانه و تعالی نمی شود. راهی که یک مسلمان باید در آن با توشه کافی وی را درین زندگی کوتاه به سرمنزل مقصود برساند، این است:

1. کسب مفاهیم درست در زندگی و خواسته های انسانی و در صورت تغییر شرایط تلخ زندگی متوسل شدن به آن مفاهیم و به بار آوردن آن ها.

2. قرار دادن رضای الله سبحانه و تعالی به بالاترین هدف زندگی؛ طوری که هیچ هدفی دیگری جایگاه این هدف را مزاحمت نکند. باید تلاش ها و زندگی خویش را طوری شکل داد که تحقق این هدف را به کرسی نشانده و تمام زندگی در محور آن بچرخد. از همین لحاظ است که هر لحظه اعمال را به میزان حلال و حرام وزن باید کرد و درین خصوص به آن حس بیداری زندگی باید داد؛ در صورت غفلت میزان را برای مان یاد آور شود و به آمادگی زندگی باید کرد که تفکیک خوبی ها از بدی ها برای مان دشوار نباشد.

3. آخرت را تمام هم و غم خویش قرار دادن و در دنیا زهد پیشه کردن؛ لیکن هدف از زهد گوشه نشینی نیست که ما را از هر آنچه الله سبحانه و تعالی حلال قرار داده است، باز دارد؛ بلکه مراد از زهد عدم حرص امور دنیوی و فرو رفتن در آن می باشد. یعنی امور دنیا نباید ما را چنان مصروف کند که از وظیفه ی اساسی مان غافل بمانیم. چنانچه رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

«مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ، وَجَمَعَ لَهُ شَمْلَهُ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ، وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ فُفْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَفَرَّقَ عَلَيْهِ شَمْلَهُ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُدِّرَ لَهُ» (سنن ترمذی)

ترجمه: هرکسی که تمام هم و غمش آخرت باشد، الله (سبحانه و تعالی) بی‌نیازی را در قلب‌اش قرار می‌دهد و توانایی‌هایش را متمرکز می‌گرداند و دنیا در حالی برایش داده می‌شود که او تمایل چندانی به آن ندارد. اما هرکس هم و غمش جمع‌آوری مال دنیا باشد، الله (سبحانه و تعالی) فقرش را در برابر چشمانش قرار می‌دهد و توانایی‌هایش را پراکنده می‌گرداند و از مال دنیا به همان اندازه به وی داده می‌شود که برایش مقدر شده است.

از ابی موسی الأشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین فرمودند:

«مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ أَضْرَّ بِآخِرَتِهِ وَمَنْ أَحَبَّ آخِرَتَهُ أَضْرَّ بِدُنْيَاهُ فَأَثَرُوا مَا يَبْقَى عَلَيَّ مَا يَفْتَنِي» (رواه احمد)

ترجمه: هرکس دوست‌دار دنیایش باشد، به آخرتش ضرر می‌زند و هرکسی دوست‌دار آخرت باشد، بسیاری از مظاهر فریبی دنیا را از دست می‌دهد. بیایید آنچه را باقی است، بر آنچه فانی است، ترجیح دهید.

4. متعهد شدن به تلاوت قرآن کریم و پرداختن به هرآنچه که منجر به برقراری ارتباط به الله سبحانه و تعالی می‌شود؛ زیرا قطع شدن ریسمان ارتباط به الله سبحانه و تعالی عواقب بسیار ناگواری دارد. رستگاری واقعی این است که یک مسلمان به محکم‌ترین ریسمان و با استوارترین پیوند چنگ زده و ملزم به اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی بوده، هدف‌اش را تعیین و راه رسیدن به آن را در یابد. نمونه‌ی این واقعیت چیزی است که صحابه و تابعین رضوان الله علیهم از خود بجا گذاشتند؛ کسانی که از طریق درست حل معادله زندگی، سرای آخرت و ایمان را بر سرای دنیا و لذت‌های ظاهری آن ترجیح داده‌اند. اینک از باب تذکر واقعیت برخی از اصحاب و تابعین را یادآور می‌شویم تا شاید در مسیر ما نیز چراغی شده و ما را برای پیمودن مسیرمان کمک کند:

حضرت براء بن مالک، این صحابی بزرگوار است که تنها برای هدفی زندگی می‌کرد که آن "رضایت الله سبحانه و تعالی و جنت" بود. این صحابی به دلیل حرص زیادی که نسبت به شهادت داشت، از هیچ‌یک از غزوات غایب نبود. در جنگ یمامه هشتاد و چند زخم برداشته بود؛ طوری که مدت یک‌ماه حضرت خالد بن ولید فرمانده جنگ یمامه شخصاً از آن پرستاری می‌کرد. در جنگ عراق دستانش چنان سوخته بود که استخوان‌هایش نمایان بود. اما علی‌الرغم این همه، هیچ‌چیزی آن را از پیمودن مسیرش باز نداشت تا این که الله سبحانه و تعالی دعایش را پذیرفته و در جنگ علیه پیمان اهواز و فارس در زمان حضرت عمر رضی الله تعالی عنه بعد از این که صد بار در شروع هر جنگ به مبارزه تن به تن پرداخته و آغازگر جنگ بود، شهید شد. این‌گونه زیبا به هدف رسیدن، گوارایش بوده و الله سبحانه و تعالی از آن راضی باشد.

حسن بصری رحمه الله، در توصیف حال بزرگان زمانش رضی الله تعالی عنهم چنین می‌گوید: «من مردمی را در زمان خود در یافتیم که حلال دنیا به آن‌ها تقدیم می‌شد؛ اما آنان آن را نمی‌پذیرفتند. قسم به الله من نمی‌دانم که اگر تقدیم من شود، من چه خواهم کرد.» (منبع: الزهد لابن المبارك (1/ 178) و هم‌چنین در جای دیگر می‌گوید: «قسم به الله [سبحانه و تعالی] من مردمی را دریافته و با توده‌های از آنان همراهی کردم که به هیچ چیز از دنیا خوش نمی‌شدند و دنیا در چشمان‌شان از خاک هم بی‌اهمیت‌تر بود. یکی از آنان پنجاه سال از عمر خویش را می‌گذراند؛ در حالی که جامه‌ای دومی نداشت؛ دیگری برایش بر اجاق گذاشته نشده بود و هرگز

بر فرشی ننشسته بود؛ در خانه‌اش هرگز طعامی تهیه نشده بود. زمانی که شب می‌شد آن‌ها به‌پا خاسته روهای‌شان فرش بر خاک و بر رخسارشان اشک جاری و از پروردگارشان ذمه‌ی خلاصی می‌خواستند. زمانی که به انجام کار نیکوی می‌پرداختند، به گونه‌ی خستگی ناپذیر شکر می‌کردند و از الله سبحانه و تعالی قبولش را طلب می‌کردند. زمانی که مرتکب کار بدی می‌شدند، اندوهگین شده، از الله سبحانه و تعالی طلب آمرزش می‌کردند و همواره چنان بودند.

ما باید به چنین الگوهای اقتداء کنیم و از آن‌ها بیاموزیم که چگونه آخرت را بر دنیا ترجیح داده و برای این که مبادا گرفتار چیزی شویم که عدم رضایت الله سبحانه و تعالی را در پی داشته باشد، بسیاری از مباحات را ترک نماییم. فتنه‌ها در زندگی دنیا بی‌شمار است. هیچ‌کس از راه نفوذ شیطان آگاهی ندارد که بر آن سدی بگذارد. برای برخی مال و برای برخی اولاد فتنه است. ناگزیر باید گوش به آواز بود، از این که چیزی بر رضایت الله سبحانه و تعالی و بر ادای رسالت اسلامی؛ امانتی که بر ما سپرده شده است، ترجیح نیابد. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«لَا تَتَّخِذُوا الضَّيْعَةَ فَتَرَعِبُوا فِي الدُّنْيَا» (رواه ترمذی)

ترجمه: املاک نگیرید و گرنه به دنیا تمایل پیدا می‌کنید.

مبارکپوری رحمه الله می‌گوید: «الضیعة باغ، قریه، روستا و مزرعه است. فترغبوا فی الدنيا؛ یعنی به عوض آخرت به سوی دنیا تمایل پیدا می‌کنید؛ هدف نهی از مصروف شدن به دنیا و به هرآنچه مانع پرداختن به عبادت پروردگار و مانع توجه بیشتر به امور آخرت می‌شود، می‌باشد.» الطیبی می‌گوید: «رغبت به دنیا به معنی فرو نرفتن عمیق در زینت‌های دنیا در حدی می‌باشد که مانع ذکر الله سبحانه و تعالی شود.» (منبع: تحفة الأحوذی -511/6) الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ [نور: 37]

ترجمه: مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد الله (سبحانه و تعالی) باز نمی‌دارد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز می‌فرماید:

«إِنَّ الْوَلَدَ مَبْخَلَةٌ مَجْبَنَةٌ»

ترجمه: فرزند موجب بخل و ترس است.

بنا به این فرموده‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم، اولاد سببی از اسباب پدید آمدن بخل و کوتاه داشتن دست از انفاق در راه الله سبحانه و تعالی می‌باشد و همان‌طور سببی از اسباب بزدلی و بر جای نشستن است. اولاد روزنه‌ای ایجاد بخل و بزدلی می‌باشد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [انفال: ۲۸]

ترجمه: بدانید که اموال و فرزندان تان فقط وسیله‌ی آزمایش شماست و (الله سبحانه و تعالی) است که پاداشی بزرگ نزد اوست.

بر یک مسلمان لازم است که بالاترین پله‌ای اولویت‌هایش جنت و هرآنچه از گفتار و کردار سبب نزدیک شدن به جنت می‌شود، بر خود میسر گرداند. حال آن‌که کدام کردار و گفتار بزرگ‌تر و بهتر از حمل اسلام و عمل کردن به آن و دعوت به سوی آن می‌باشد. چه چیزی بهتر از این است که یک مسلمان فقط نصیب خود را از حلال دنیا گرفته و در دنیا غوطه‌ور نشده و فرونرود؛ چیزی که هم‌طراز کامیابی و رستگاری می‌باشد.

بار الها! تا زمانی که مرگ‌مان فرامی‌رسد، ما را در صراط‌المسقیم ثابت قدم بدار! بار الها! تا وقتی که مرگ‌مان فرا می‌رسد، ما را در صراط‌المسقیم ثابت قدم بدار! بار الها! تا زمانی که مرگ‌مان فرامی‌رسد، ما را در صراط‌المسقیم ثابت قدم بدار! بار الها! دنیا را تمام هم‌وغم مان مگردان و ما را برای طاعت از خود یاری ده! بار الها! ما را از زمره‌ی بندگان صالحات بگردان! بار الها! به اراده‌ی ما قوت ببخش و همت مان را بر انگیز! بار الها! برای ما رشد نصیب کرده و ما را در حالی بمیران که از ما راضی باشی! اللهم آمین و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین.

نویسنده: هاجر یعقوبی

19 رمضان 1440 هـ.ق

24 می 2019 م